

گفت‌وگو
دنیاچیدری

بررسی لزوم جوانگرایی در تیم ملی فوتبال ایران
در گفت‌وگوی «جوان» با مجید جلالی

حاضر نیستیم هزینه جوانگرایی را بپردازیم

آخرین لیست تیم ملی بعد از جام جهانی اگرچه نام چند بازیکن جوان را در خود جای داده بود اما عمل‌نشان داد قراری بر جوانگرایی نیست و چه بسا نفرات دعوت‌شده نیز صرفاً برای قانع کردن منتقدان باشد. حال آنکه بی‌شک برای موفقیت در آینده به‌خصوص جام جهانی بعدی همین امروز زمان جوانگرایی است. جوانگرایی که مجید جلالی، کارشناس فوتبال ایران با وجود تأکید بر آن معتقد است که هنوز جامعه به لحاظ ذهنی آماده پذیرش آن نیست.

جدیدترین لیست تیم ملی بعد از جام جهانی نام چند بازیکن جوان را در خود جای داده بود اما آیا می‌توان دعوت از چند بازیکن جوان را آغاز پروژه جوانگرایی قلمداد کرد؟

ممکن است شاهد جابه‌جایی دو سه بازیکن باشیم اما به نظر من ما وارد دوره تغییر نسل نخواهیم شد. به خاطر اینکه این کار یک مسئولیت بزرگ است و هیچ کس حاضر نیست این مسئولیت را بپذیرد.

چرا؟ چون جوانگرایی هزینه دارد و افکار عمومی، مسئولان، جامعه و حتی اصحاب رسانه با آن می‌تواند تأکید بسیار به اهمیت جوانگرایی، آمادگی و ظرفیت پذیرش تبعات ابتدایی آن را ندارد؟

ما خوب می‌دانیم نسلی که در تیم ملی داریم، رو به پایان است. باید دنبال فکری برای جایگزین کردن آنها باشیم. هر نسلی تمام می‌شود و بهترین ستاره‌ها و بازیکنان هم باید یک روزی جای خود را به جوان‌ترها بدهند. اما بزرای آن روز باید برنامه ریخت. مثلاً باید پی‌دیریم و بگوییم ما این همه سال نتیجه‌ای که انتظار نداشتیم را نگرفتیم، این چهارسال هم رویش بپاییم با دعوت از بازیکنان جوان، در زمین بازی به آنها فرصت کسب تجربه بدهیم. کاملاً مشخص است با ایچاد یک تغییر گسسته و استفاده از بازیکنان جوان نمی‌توانیم نتیجه قابل توجهی بگیریم اما می‌دانید چهارسال بعد در جام جهانی عملکردی به مراتب متفاوت‌تر و مثبت‌تر خواهید داشت.

پس با این حساب دعوت از بازیکنان جوان بیشتر جوان‌آزمایی است تا جوانگرایی، شاید هم تلاش برای قانع کردن منتقدان.

ببینید، انتظار بی‌جایی است که صرفاً از تیم ملی توقع جوانگرایی داشته باشیم. حتی نمی‌توان انتظار داشت، باشگاه‌ها تمام و کمال این مسئولیت را بپذیرند و از بازیکنان جوان استفاده کنند تا آنها را با کوله‌باری از تجربه و توانایی در اختیار تیم ملی قرار دهند. واقعیت این است که اگر به راستی دلسوز هستیم و خواهان جوانگرایی، باید اصولی و از پایه‌ها کار کنیم. اما همه خوب می‌دانیم پایه‌های فوتبال ایران در چه شرایطی هستند. نه به لحاظ فنی و سطح مهارت کامل هستند و نه از لحاظ شخصیت

و مسائل روحی‌روانی.

آیا به همین دلیل هست که بسیاری از بازیکنان جوان باوجود دعوت شدن به تیم ملی نمی‌توانند توانایی‌های خود را به معرض نمایش گذاشته و کنار افراد با تجربه تیم آن عملکردی که انتظار می‌رود را داشته باشند؟

اجازه دهید پاسخ این سؤال را با تشریح یک نمونه عملی که شخصاً تجربه کردم بدهم. در سایپا که بودم، مهدی ترابی را از امیدها به تیم بزرگسالان آوردم. در دور رفت، اواسط نیمه‌های دوم او را راهی میدان می‌کردم. اما از اواسط دوره برگشت تبدیل شد به یک بازیکن خوب و فصل که تمام شد، کی‌روش او را به تیم ملی دعوت کرد. ترابی بازیکن خوب و با استعدادی بود اما اقتدر رشد نکرده بود که بلافاصله از امید به ترکیب اصلی بزرگسالان سایپا بیاید. باید با بازیکن درست و اصولی رفتار کنیم. اگر او را از همان روز نخست در ترکیب ثابت و از ابتدا راهی میدان می‌کردم، نمی‌توانست یاد بگیرد و برای رسیدن به ترکیب تلاش کند. باید کار پله‌پله و مرحله به مرحله پیش برود.

نیمی از بازیکنان تیم ملی از دل لیگ انتخاب می‌شوند و تیم‌ها نیز عمدتاً از بازیکنان با تجربه‌ای که سن و سال بالای دارند جذب می‌کنند. این مسئله تا چه اندازه می‌تواند مانع از جوانگرایی در تیم ملی شود؟

همانطور که گفتم جوانگرایی هزینه دارد. تفاوتی نمی‌کند در تیم ملی باشد یا در باشگاه‌ها. باشگاه‌ها دارند هزینه می‌کنند، نمی‌توانند یک بازیکن بگیرند و دو سال روی او کار کنند تا بتوانند در نهایت سود لازم را از جذب او ببرند. هودارانشان طاقت نمی‌ورزند. به همین دلیل هم هست که باید در تیم‌های پایه خود بازیکن‌سازی کنند تا هم میانگین سنی خود را پایین آورده و هم جلوگیری از خروج بازیکنان جوان از کشور.



بازیکنان برتری که به تیم ملی راه پیدا می‌کنند نیز خودبه‌خود هستند. اما قبل از هر چیز باید به لحاظ ذهنی خودمان را آماده پذیرش جوانگرایی کنیم. برای نمونه اگر یک مربی بازیکنی نیمکت‌نشین را به تیم ملی دعوت کند، مواخذه می‌شود. چرا که هیچ کس منتظر نمی‌ماند بازیکن دعوت‌شده که شاید سرمربی چیزی در او دیده خود و توانایی‌هایش را به معرض نمایش داده شود.

یعنی باوجود اهمیت بالای جوانگرایی و تأکید به این مهم، هنوز به لحاظ ذهنی نتوانستیم خودمان را برای پذیرش و هضم این مقوله آماده کنیم که جوانگرایی هزینه دارد و باید به بازیکنان جوان فرصت اشتباه برای کسب تجربه داده شود. به دقیا همینطور است. به همین دلیل بهتر است که یک تیم «ب» هم داشته باشیم تا بازیکنان مدنظرمان در این تیم‌ها رشد لازم را بکنند و کم‌کم به بدنه اصلی تیم بزرگسالان اضافه شوند. تیمی که بتواند نیمی از ترکیب تیم ملی در فیفادهای‌ها را تشکیل داده و کم‌کم خودش را ثابت و افکار عمومی را برای پذیرش جوانگرایی مهیا کند. ضمن اینکه بزرای بازیکنان جوان هم باید فرصت لازم فراهم شود تا هم به لحاظ فنی و هم ذهنی بتوانند جای برای خود در تیم ملی پیدا کنند.

با تمام این تفاسیر فکر می‌کنید چه زمان وقت جوانگرایی در تیم ملی است؟

دقیقاً همین الان. هر کاری قرار است برای تغییر نسل، آینده فوتبال و جام جهانی بعدی انجام دهیم همین الان باید بکنیم. الان که یک گروه بازیکن جوان را دعوت کردیم می‌توانیم با میدان دادن به آنها زمینه تغییر نسل را ایجاد کنیم. باید به کادر فنی فرصت تغییر را بدهیم. سرمربی باید بدون ترس از انتقاد و همه بنشینند روی نیازهای هر پست کار کنند. مثلاً بگویند برای دفاع راست بازیکنی می‌خواهم با این خاصیت‌ها. بعد دفاع راست‌های لیگ را بررسی کنند. شاید بازیکنی که به لحاظ آماری از دیگران پایین‌تر باشد بیشتر به تفکرات سرمربی بخورد و بهتر جواب بدهد. ما باید از زندانی کردن ذهن خود ایجاد

کردیم خلاص شویم تا بتوانیم به سمت موفقیت گام برداریم. منظور تان همان خوابیدن در باد موفقیت‌های گذشته است؟

بله. من یک سال مربی یک تیم می‌شوم و عملکرد موفقی از خود به نمایش می‌گذارم اما اقرار نیست چون یک سال موفق شدم همیشه موفق باشم. یک طرفد را به کار می‌گیریم و چون نتیجه داده صرفاً روی آن کلید می‌کنیم. یک بازیکن یک زمانی ستاره است توقع داریم همیشه ستاره بماند. باید خود را از این تفکرات آزاد کنیم تا بتوانیم تصمیمات درستی بگیریم. باید پی‌دیریم که برای موفقیت باید هزینه داد. برای تغییر باید هزینه داد. هزینه همیشه خرج مالی نیست. گاهی نرسیدن به نتیجه مطلوب اما گام برداشتن در مسیر دست است.

گفتید امروز زمان تغییر نسل و جوانگرایی است اگر می‌خواهیم آینده‌ای موفق و عملکردی متفاوت در جام جهانی بعدی داشته باشیم. حالا بگویید فکر می‌کنید تیم ملی در کدام پست‌ها نیاز مبرم و ضروری به تغییر نسل و جوانگرایی دارد؟

در خط هافبک و دفاع کناری. برای انتخاب دفاع وسط نیاز به زمان بیشتری داریم و شاید تغییرات باعث ایجاد غرامت برای تیم ملی شود. اما در دفاع کناری و خط هافبک ما نیاز به یک دگرگونی عمیق داریم. آیا جوانگرایی به منزله کنار گذاشتن تمام نفرات با تجربه و استفاده از جوانان است یا باید شاکله و اسکلت تیم را حفظ کرد و در کنار آن به جوان‌ترها هم فرصت داد. بستگی دارد که بتوانیم این تغییر و دگرگونی را بپذیریم و خودمان را برای دادن هزینه آماده کرده باشیم یا نه. در غیر این صورت می‌توان کم‌کم به بازیکنان جوان میدان داد تا خود را در کنار با تجربه‌ها پیدا کرده و بتوانند جایگزین خوبی باشند. اما دعوت از چند بازیکن جوان نه جوانگرایی است و نه میانگین سنی را کاهش می‌دهد.

یعنی می‌توان پنج بازیکن جوان هم به تیم ملی دعوت کرد اما در واقع خبری از جوانگرایی نباشد؟

بله. باید ببینیم به این بازیکنان جوان دعوت‌شده فرصت و بازی داده می‌شود یا نه. اگر این فرصت را در اختیار آنها بگذاریم، گامی برای جوانگرایی برداشتیم در غیر این صورت نه. یعنی مهم میانگین سنی تیمی است که در زمین بازی می‌کند.

نگاه
فریدون حسن

جوانگرایی شاید وقتی دیگر

وقت مناسب جوانگرایی چه زمانی است؟ پاسخ این سؤال و البته جسارت و شجاعت انجام جوانگرایی می‌تواند یکی از معضلات بزرگ فوتبال ایران به‌خصوص در رده ملی را حل کند. فوتبال ایران می‌خواهد جوانگرایی کند اما پای جام جهانی در میان است، پس جوانگرایی معنی پیدا نمی‌کند. فوتبال ایران می‌خواهد جوانگرایی کند اما رقابت‌های جام ملت‌های آسیا نزدیک است و ایران بیش از نیم قرن است که در حسرت قهرمانی آن می‌سسوزد پس جوانگرایی معنی پیدا نمی‌کند. فوتبال ایران می‌خواهد جوانگرایی کند اما ررسیده‌ایم به رقابت‌های انتخابی جام جهانی بعدی پس باز هم جوانگرایی معنی پیدا نمی‌کند چون باید صعود کنیم.

سؤالی که به ذهن می‌آید این است که پس چه زمانی زمان جوانگرایی در فوتبالی است که بسا حضور باتجربه‌ها و میدان‌دیده‌هایش هم هیچ موفقیتی کسب نمی‌کند؟ توجه داشته باشید فوتبال به‌خصوص در رده ملی جوانگرایی نمی‌کند تا به موفقیت دست پیدا کند اما تنها موفقیتی که به آن می‌رسد حضور در مرحله گروهی جام جهانی است که با توجه به افزایش همیشگی تیم‌های حاضر در جام جهانی حتی از عهده تیم‌ها در چه چندم قاره هم برمی‌آید. با این وجود فوتبال ایران با شعار نیم‌خما شده کسب موفقیت در چنین رویدادهایی همیشه از جوانگرایی فرار کرده است.

البته فاکتور دوم در این مقوله بحث شجاعت و جسارت است که در طول تاریخ فوتبال ایران به‌ندرت شاهد آن بوده‌ایم. فوتبال ایران یکبار در دوران مرحوم پرویز دهناری دست به جوانگرایی زد. زمانی که ستاره‌ها و نامداران آن روزهای فوتبال دسته‌جمعی استعفا کردند تا دهناری را تحت فشار بگذارند اما او با جوانگرایی رفت و در عین بدشانسی عنوان سوم جام ملت‌های آسیا را به دست آورد. دومین بار در اواسط دهه ۷۰ بود که محمد مایلی‌کهن دست به جوانگرایی در تیم ملی زد و اتفاقاً او هم موفق شد عنوان سومی جام ملت‌ها را با تیم جوان شده ایران کسب کند عنوانی که می‌توانست با کمی شانس حتی بهتر هم باشد.

حالا اما سال‌ها از این دو مقطع مهم و تأثیرگذار در فوتبال ایران می‌گذرد و جوانگرایی به‌خصوص در تیم ملی به مسئله‌ای دور از ذهن تبدیل شده. موضوعی که نه زمان مناسبی برای آن پیدا می‌شود چون آقایان مسئول چه در فدراسیون و چه روی نیمکت به جای آینده‌نگری تنها به فکر کسب نتیجه در زمان مسئولیت خود هستند که البته به دست هم نمی‌آید و مهم‌تر اینکه هیچ جسارت و شجاعتی هم برای انجام این کار در فوتبال مسن و پیر شده ایران دیده نمی‌شود. با این حساب باید عنوان کنیم جوانگرایی در تیم ملی امری بعید و دور از ذهن است و شاید تنها در صورتی به‌طور صحیح اتفاق بیفتد که تفکر حاکم بر فوتبال ایران عوض شود. فوتبال ایران نیازمند تفکری است که باور داشته باشد فوتبال ورزش جوانانی است که بتوانند ۹۰ دقیقه با کمترین اشتباه و کمترین افت بدنی در زمین مسابقه حاضر شوند. بنابراین تا روی کار آمدن چنین تفکری باید هم شاهد حضور بازیکنانی در ترکیب تیم ملی باشیم که به مرز ۴۰ سالگی نزدیک می‌شوند. بازیکنانی که حاضریم اشتباهات آنها کمر فوتبال را بشکنند اما نمی‌توانیم پی‌دیریم که این اشتباه را یک جوان جوانی نام و در ابتدای راه بزرگی انجام دهد فکر می‌کند فرصت جریان اشتباهش را دارد اما در فوتبال ایران به او بها داده نمی‌شود تا همچنان پیرمردها اشتباه بکنند و ما ببازیم.

دعوت دوباره از بازیکنان مسن؛ قلعه‌نویی هنوز به قولش عمل نکرده

سراب جوانگرایی در فوتبال ملی

اهمیت میانگین سنی

اگرچه سن یک عدد است و فوتبالیستی مثل کریستیانو رونالدو ثابت کرده‌اند در ۴۰ سالگی هم می‌توان درخشید و گلزنی کرد. اما رونالدو یکی از استثناهای فوتبال دنیاست و به هیچ وجه نباید شرایط فیزیکی و آمادگی او را به همه بازیکنان تعمیم داد. استفاده از بازیکنان زیر ۲۰ سال و توجه باشگاه‌های مطرح جهان به پرورش نیروهای تازه‌نفس در آکادمی‌های خود، اهمیت سن و سبالت در مستطیل سبز را ثابت می‌کند. امروزه در بالاترین سطح فوتبال، بازیکنان جوان ستاره‌های تیم‌های ملی هستند و مربیان مطرح دنیا از جوانان خود در جام جهانی استفاده می‌کنند.

این اصل حرف‌های اما جایی در فوتبال ملی ما ندارد. هر چند شرایط و امکانات تیم ملی ایران قابل قیاس با برترین تیم‌های دنیا نیست اما برای پیشرفت و قرار گرفتن در بین بهترین‌های جهان، می‌توان مسیری که آنها طی کرده و به موفقیت رسیدند را الگو قرار داد. از طرفی در همین قاره آسیا نیز بسیاری از رقبا برنامه‌های خود را حول محور جوانگرایی پیش برده و ضمن پشتوانه‌سازی قوی، به اهداف بزرگی رسیده‌اند. در لیست اخیر تعداد بازیکنان بالای ۲۵ سال تیم ملی همچنان بالاست؛ حاج صفی ۳۶ سال، بیرانوند ۳۳ سال، رضاییان ۳۶ سال، خلیل‌زاده ۳۷ سال و نورافکن ۲۹ سال. در بین معروف‌ترین لژیونرهای این روزهای فوتبال ما مهدی طارمی هم ۳۴ ساله است. میانگین سنی تیم ملی در جام جهانی ۲۰۱۳ سال بود و کادر فنی این میانگین را به ۲۸/۵ رسانده است. قلعه‌نویی تنها به چند بازیکن جوان اعتماد کرده: محمودی ۲۰ ساله، زارع ۲۳ ساله، یوسفی ۲۴ ساله، سوگرگی ۲۴ ساله و فلاح ۲۵ ساله. با این حال باز هم تعداد پایه‌سن گذاشته‌ها توی ذوق می‌زند. دعوت نمایشی جوان‌ها و پس از آن حذف از ترکیب نهایی یا نیمکت‌نشینی آنها هیچ سودی برای تیم ملی نخواهد داشت.

ترس و تفکر غیر حرف‌ای

بالینکه در جام جهانی به هدفمان نرسیدیم و خبری از میدان دادن به

گزارش شیوانوروزی

انجام دو بازی دوستانه و در پیش بودن فیکادی ماه سپتامبر، دوباره بازیکنان تیم ملی فوتبال را دور هم جمع کرده است. پس از اتمام جام جهانی و ناکامی تیم ملی کشورمان در صعود به دور بعدی این مسابقات، برگزاری بازی دوستانه با ازبکستان و روسیه آغاز مسیر آماده‌سازی تیم ملی برای حضور در جام ملت‌های ۲۰۲۷ است. با این حال لیست بازیکنان دعوت‌شده به اردو آب‌پاکی را روی دست همه ریخت و بار دیگر به همه اعلام کرد منتظر جوانگرایی نباشید! البته استفاده از بازیکنان تکراری و مسن در فوتبال ملی ما مسوق به سابقه است و سرمربیان قبل از امیر قلعه‌نویی نیز جرئت و ریسک و میدان دادن به جوان‌ها در میدان‌های بزرگ را نداشتند. ولی وعده قلعه‌نویی و تأکید او بر بحث «جوانگرایی» حساسیت‌ها روی این موضوع را افزایش داده است.

نفرات تکراری

پس از جام جهانی ۲۰۲۶ تا چشم بر هم بزیم زمستان از راه خواهد رسید و تیم ملی جام ملت‌های آسیا را پیش رو خواهد داشت. مصاف با ازبک‌ها و روس‌ها پیش‌درآمد آماده‌سازی شاگردان قلعه‌نویی است. کادر فنی در لیست اول خود نام بازیکنان لیگ برتری را اعلام کرد و حضور نام‌های تکراری انتقادبرانگیز شد. صالح کردانی، رامین رضاییان، آریا یوسفی، علیرضا بیرانوند، پیام نیازمند، احسان حاج‌صفی و شجاع خلیل‌زاده، مهم‌ترین نفراتی هستند که باز هم در لیست تیم ملی قرار گرفته و به نظر می‌رسد سرمربی همچنان تأکید زیادی روی استفاده از این بازیکنان دارد. غیبت حسین کنعانی‌زادگان و روزبه چشمی هم به دلیل مصدومیت آنها بوده و الا آنها نیز احتمالاً در جمع بازیکنان پایه به سن گذاشته تیم ملی را در دو بازی دوستانه همراهی می‌کنند.



رقبای آسیایی‌ای برویم. شکی نیست که در این جام باز هم شالوده اصلی تیم را همان نفرات محبوب همیشگی تشکیل خواهند داد. ولی در جام جهانی ۲۰۲۳ هم می‌توان با این بازیکنان به میدان رفت؟ البته در فوتبال بی‌دروپیکر و بی‌سروسامان ما، خنده‌دار است از جلال‌در مورد چهار سال دیگر حرف بزنیم و در این رشته اکثرانوک بینی‌شان را می‌بینند و به فکر حفظ جایگاه‌شان هستند. زنگ خطر مدت‌هاست به صدا درآمده و فقط فدراسیون و کادر فنی است که آن را نشنیده. دود پافشاری بر مواضع قبلی و اصرار بر استفاده از مهره‌ای امتحان‌پس‌داده به چشم تیم ملی خواهد رفت. درست است که سطح بازی‌های لیگ برتر تعریفی ندارد ولی اگر سرمربی و دستیارانش بازی‌های لیگ را زیر نظر بگیرند، قطعا بازیکنان جوانی هستند که جایگزین مسن‌ها شود. وقتی قرار است صعود به جام جهانی در حد قهرمانی جهان بزرگ‌نمایی شود، بهتر است با جوان‌ها حذف شویم نه پایه‌سن گذاشته‌ها.

توانایی تغییر سرنوشت تیم‌های کشورشان در بزرگ‌ترین آوردگاه فوتبال دنیا را دارند.

زنگ خطر

با رویه‌ای که امیر قلعه‌نویی داشته و انبای او در سمت سرمربیگری تیم ملی، به این زودی‌ها نباید منتظر پایین آمدن میانگین سنی تیم کشورمان باشیم. اینکه هنوز شجاع خلیل‌زاده و رضاییان محبوب‌ترین مدافع تیم ملی هستند زنگ خطری است جدی برای فوتبال ملی. منکر عملکرد خوب رامین رضاییان در جام جهانی نیستیم اما رقابت بر سر اهداف، برنامه‌ریزی و تلاش تیم‌های ملی است. در جام جهانی اخیر باز هم نتوانستیم طلسم راهپایی به دور بعدی این رقابت‌ها را بشکنیم و این خودش به منزله شکست است. با اینکه پس از حذف و بازگشت و این تیم ملی، امیر قلعه‌نویی و فدراسیون، با آب و تاب از دستاوردهای تیم ملی گفتند ولی واقعیت قابل انکار نیست. زمان زیادی تا جسام ملت‌ها باقی نمانده و خیلی زود باید به جنگ

جوان‌ها نشد اما تیم ملی باز هم با همان دست‌فرمان به مسیرش ادامه خواهد داد و کادر فنی عزمی برای تغییر تفکر خود ندارد. طبیعتاً برای حضور در رویدادهای مهم و بین‌المللی چون جام جهانی و جام ملت‌ها، نمی‌توان به یکبار ترکیب و شالوده اصلی تیم ملی را دگرگون ساخت و بدون برنامه و هدف به جوان‌های کم‌تجربه میدان داد. دعوت از نفرات تازه‌نفس، پدیده‌های جوان و استعدادهای لیگ، قدم اول جوانگرایی است. بازی‌های تدارکاتی و فیکادی‌ها فرصت خوبی است تا همین جوان‌های کم‌سن‌وسال میدان ببینند و آیدیده شوند. برای این کار ابتدا باید دیدگاه کلی فوتبال ایران تغییر کند و پس از آن سرمربی تیم ملی با حمایت فدراسیون، وعده‌ای که برای جوانگرایی داده را به مرحله اجراء در بیاورد. ولی ترس از شکست، رویارویی با منتقدان و خراب شدن رزومه کاری، مهم‌ترین عواملی هستند که جرئت ریسک کردن را از قلعه‌نویی و سرمربیان قبلی گرفته است. در حالی که جام جهانی اخیر بار دیگر ثابت کرد ستاره‌های جوان